است درمجلس مذاکره شود استدعا دارم یا امروز یاجلسه آتیه جزو دستور قرار داده شود .

**رئیس** - حق این است که بنده مراجعه کنم بکمسیون مبتکرات و مراجعه هم شده است .

آقای داور

(اجازه)

**داور** - قانون استخدام مدتی است برای اصلاح بعضی از مواد آن مراجعه شده است بکمسیون استخدام و تاکنون هیچ خبری نرسیده است بنده لازم میدانم تذکری داده شود ازطرف مقام ریاست بکمسیون که زودتر تمام بفرمائید

**رئیس** - شاهزاده شیخ الرئیس

(اجازه)

**شیخ الرئیس** - کمسیون استخدام به مناسبت تصادف باایام تعطیل تشکیل نشد باینجهته درتقدیم راپورت به مجلس تاخیرشده ولی فعلا مشغول کار است وعنقریب راپورت خودش راخواهد

**رئیس** - دیگر اظهاری نیست

**یکنفر از نمایندگان** - خیر

(مجلس سه ربع ساعت بعد از ظهر ختم شد)

رئیس مجلس شورای ملی
مؤتمن الملك

## جلسه ۵۱
## صورت مشروح
## مجلس یوم پنج شنبه پنجم برج سنبله ۱۳۰۳
## مطابق بیست و ششم محرم ۱۳۴۳

مجلس دو ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مشروح مجلس یوم یك شنبه اول سنبله را آقای آقا میرزا شهاب الدین قرائت نمودند

رئیس آقای آقاسید یعقوب .

(اجازه)

آقاسید یعقوب - آقای مدرس را غائب بی اجازه نوشته اند ازقرار معلوم ایشان مریض هستند

رئیس - چون یادداشت نداده بودند بعد تحقیق شده اصلاح می شود.

آقای تدین

(اجازه)

تدین - بنده بعد ازتصویب صورتجلسه عرضی داشتم

رئیس - نسبت بصورت جلسه گویا دیگر ایرادی نباشد

بعضی ازنمایندگان - خیر

رئیس آقای تدین .

(اجازه)

تدین - موضوع عرایض بنده یك تذکراتی است که بتمام آقایان نمایندگان میخواهم بدهم و آن عبارت ازآن است که همه آقایان میدانند در این چند جلسه اخیر آقایان محترم اقلیت حضور بهم نرساندند

این مسئله جلب توجه سایر نمایندگان محترم را کرد ودرصدد بر آمدند تحقیق بکنند وکاملا ازعلت حضور آقایان محترم اقلیت درجلسات رسمی مسبوق شوند بعداز آنکه یکعده از آقایان در صدد تحقیق برآمدند .

اخیراً بنده هم در خدمت آقایان بودم قضیه اینطور معلوم شد

که علت امتناع آقایان محترم اقلیت ازحضور درجلسه توهینی بوده است که در چندی قبل در خارج مجلس ازطرف یکعده نسبت ببعضی از افراد این آقایان شده است .

این توهین و این اهانت ازنقطه نظر مجلس ونمایندگان محترم خیلی اهمیت دارد باید تلقی شود

( اکثر نمایندگان - صحیح است )

برای اینکه اصل مصونیت نمایندگان محترم اختصاصی بیك محل دون محل دیگر ندارد وبعلاوه اگر این قضایا تعقیب نشود وتوهین کنندگان یا مرتکبین مجازات نشوند وفتح این باب بشود

مصونیت فردی کلیه نمایندگان متزلزل میشود .

نمایندگان - صحیح است

ممکن است درآتیه همین توهینات و همین مخاطرات متوجه اشخاص دیگر هم بشود (صحیح است)

بنا براین در این قسمت که تصور می کنم نظر اقلیت واکثریت یا موافقی مخالف در میان نباشد همه نمایندگان همین عقیده را دارند وظیفه خودشان می دانند که در این قسمت با آقایان محترم اقلیت شریك باشند و از آن بیش آمدی که نسبت به آقایان اقلیت شده است راضی نباشند (صحیح است)

بنابراین تصور میکنم ازوقوع قضیه همه آقایان نمایندگان متأسف و متأثر شدند (صحیح است)

امیدوار هستم درآتیه نظایر این قضیه دیگر صورت وقوع پیدا نکند دراثر این مسائل که معلوم شده از آقایان نمایندگان از افراد محترم اقلیت خواهش کردند که خوب است بنیا مدنشان خاتمه بدهند ودرجلسه علنی حضور بهمرسانند چون همه علاقمند هستیم که هرچه زودتر مرتکبین وتوهین کنندگان تعقیب ورفع این توهین و اهانت بشود

آنچه که بنده شخصاً اطلاع دارم شاید جمعی دیگرهم مطلع باشند این است که هیئت دولت هم درصدد تعقیب بوده است و اقدامات مقدماتی هم کرده است وباز هم بنده عقیده دارم وشاید سایرین هم همین عقیده را داشته باشند که هیئت دولت باید دراین موضوع جدی تر باشند وعملیات خود را تعقیب کند وهرچه زودتر مرتکبین را مجازات قانونی بدهند هر کسی که میخواهد باشد (صحیح است)

رئیس - در تأیید وتعقیب اظهارات آقای تدین بنده هم اجازه خواستم که عرض کنم که قضیه روز سه شنبه گذشته نسبت به پاره ازآقایان اقلیت قضیه اسف آور موجب ملالت و تکدر خاطر تمام آقایان نمایندگان است (صحیح است)

زیرا هرتوهینی که بیکنفرازو کلاوارد بشود مثل این است که بتمام مجلس توهین شده باشد (صحیح است)

آقایان وکلا هم البته این مسئله را احساس کرده اند وبهمین جهت هم هست که درهمچو موقعی مثل شخص واحدی اقدام کردند بنده میدانم که دولت هم از این قضیه متأسف است شرحی هم که آقای رئیس الوزراء در جواب بنده نوشته اند اطلاع داده اند که که مرتکبین این امر دستگیر شده ومشغول استنطاق آنها هستند و آنها را مجازات وتعقیب خواهند نمود بعداز مذاکراتی که عده ازآقایان بااقلیت کردند

بنده خیلی مسرور هستم که آقایان از کناره جوئی صرف نظر نموده وحاضر شده اند با ما کماکان در امور مملکتی شرکت کنند

آقاسید یعقوب - اجازه می فرمائید

جمعی ازنمایندگان - مذاکرات کافی است )

رئیس - شاید آقای آقا سید یعقوب نسبت باین قضیه فرمایشی داشته باشند .

آقاسید یعقوب - خیر بنده در دستور عرض داشتم میخواستم تقاضا کنم لایحه پوست بره مقدم برنفت باشد .

حاج عزالممالك - نفت مقدم است .

آقا سید یعقوب - خیر این مسئله برهمه مقدم است

باین جهت تقاضا می کنم جزو دستور بشود .

رئیس - راپرتش حاضر نیست خوبست بماند برای بعد تنفس

آقاسید یعقوب - حاضر است توزیع کرده اند مختصر هم هست یك ماده بیشتر نیست .

رئیس از اداره باید بیاورند خوب چون پیشنهادی میکنند ورأی میگیریم

آقایانی که تصویب میکنند لایحه پوست بره جزو دستور ومقدم برسایر مطالب باشد قیام فرمایند

(جمع کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده واحده قرائت می شود .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده - وزارت مالیه مجازاست کلیه پوستهای بره را که بموجب قانون ممنوع ازخروج شده است

اعم ازاینکه درانبار گمرك یا دیگر تااول حوت ۱۳۰۳ برای خروج از ایران در مقابل پرداخت حقوق آزاد بماند

رئیس - آقای طهرانی موافقید یا مخالف ؟

آقاشیخ محمدعلی طهرانی - بنده در کلیات عرض دارم

رئیس - ماده واحده است .

مذاکرهٔ در کلیات وماده هردو یکی است موافقید یا مخالف

آقاشیخ محمدعلی - مخالفم

رئیس - بفرمائید

آقاشیخ محمدعلی - عرض میکنم کاملا مجلس باید قانون خودش را محترم بشمارد همچنان که امضاء وزرا محترم است درهر مملکت متمدنی باید قانون آن مملکت هم محترم باشد تا موقعیکه موجباتی برای نقض آن قانون فراهم نشده است .

این جا یك قانونی مجلس محض به فلسفه وضع کرد حالا آیا آن فلسفه و اصل موضوعاً برطرف شده یا بنا است .

اگرموضوعاً برطرف شده خوب است اصل آن قانون راپیشنهاد نمایند نقض بشود والا استثناء معنائی ندارد . اگر آن فلسفه موضوعاً باقی است در این صورت شبیه قانونی وضع می کنید بعد ۳ سال باز استثناء می دهید فردا هم یك قانونی وضع می کنید و این سابقه می شود باو هم یك سال باید استثناء بدهید و این ترتیب خوب نیست . یك عده قلیل ازوضع قانون یك پوستهائی خریده اند و بعد یك وضع قانونی شده باید اعلام کردند که شما تافلان روز باید پوست هاتان را ازسرحد خارج کنید اتفاقاً یك موانعی ده یانزده روز دیر شد و پوستهائی برای خروج به سرحد نرسید چون آنها قصور برایشان پیدا شده نه تقصیر پس از برای خروج این ها مانعی نیست برای این که این گونه پوستها قبل از وضع قانون خریده شده و در موقع امر باجرای قانون برای سرحد ارسال شده ولی درموقع بسرحد نرسیده و بواسطه نبودن مکاری یا جهات دیگر از قبیل گرمای فوق العاده یا مرض یافیره نتوانسته است در ساعت معین بمنتهی الیه حد ترخیص برساند در این صورت بآنها اعتراضی نیست چون حوادث آنها را مجبور کرد که نتوانستند پوستشان را خارج کنند .

اما یك جهات دیگری که عرض اندام کرده فقط ازبرای خورد کردن قانون معنی کردن قانون . لگدمال کردن قانون یکعدهٔ که بعد از این قانون پوست بره خریده اند حالا بیایند و بمجلس پیشنهاد کنند ما هم حاضر باشیم وپیشنهاد آنها را بپذیریم تقریباً خودمان بدست خودمان قانون را معوج کرده ایم پس بایدقانون را

بین آن اشخاصیکه قبل از وضع قانون پوست بره خریده و حمل کرده‌اند (منتهی پنج شش روز دیر شده و نتوانسته‌اند از سرحد خارج نمایند) با آن اشخاصی که یک سال بعد با اطلاع از قانون پوست خریده باشند.

این تقریباً مثل این است که مجلس شورای ملی یک قانون جزای عرفی وضع کرده باشد پس از وضع آن نسبت باشخاصی بیاید و استثناء کند.

درصورتی که استثناء معنی ندارد بنابر این بنده فرق میگذارم بین اشخاصی که قبل از وضع قانون پوست خریده‌اند و ده پانزده روز از موعد مقرر بتأخیر افتاده (آنها را باید خارج کنند) با آن اشخاصی که با اطلاع از قانون مرتکب این کار شده‌اند و مجازات آنها این است که اموالشان در گمرک بماند.

سردار معظم مخبر کمیسیون- البته همانطور که آقای طهرانی فرمودند کمیسیون قوانین مالیه نظرش عین بیانات ایشان بود که اگر قانونی وضع میشود آن قانون باید محترم باشد و قوه مجریه باید ساعی در اجرای آن قانون باشد.

از همین نقطه نظر و بهمین ملاحظه بود که در رایرت اولی کمیسیون قوانین مالیه تقاضای خروج ردشد ولی پس از تقدیم شدن رایرت اولیه اسنادی رسید و استشهاد و تلگرافاتی واصل شد که مخصوصاً نظر آقای طهرانی بود یعنی تلگراف میکنند که ما پوستهای خودمان را برای حمل بسرحد در ظرف آن پنج ماه مدتی که قانون سی‌ام جوزا ۱۳۰۱ معین کرده بود تهیه کرده بودیم منتهی بواسطه مشکلات محلی و نواقص وسائل حمل و نقل موفق نشدیم که در موعد مقرره پوستهایمان را بسرحد برسانیم و خارج کنیم.

وقتیکه این اسناد و استشهادها رسید قهراً مجبور شدیم که نقطه نظرمانرا تغییر بدهیم و این مورد را در تحت قانون منع صدور پوست بره دربیاوریم زیرا بالاخره در این مملکت هنوز وسائل نقلیه‌اش بدبختانه فوق‌العاده ناقص است و متاعی را که میخواهند حمل بکنند نمی توانند مطمئن بشوند که در همان موقع معین بمقصد خواهد رسید لهذا کمیسیون قوانین مالیه نقطه نظر اولی خودش را تغییر داد و در نظر گرفت که پوستهای برهٔ که در ظرف همان پنج ماه موعدی که اجازه خروج داشته‌اند تهیه شده و بواسطه نقص وسائل نقلیه نتوانسته اند خارج نمایند فقط این اجازه شامل حال آنها بشود.

بنابراین نظر کمیسیون قوانین مالیه عیناً همان نظر آقای طهرانی بوده است و حتی در یکی از جلسات کمیسیون قوانین مالیه پیشنهادی شد که خیلی صریح‌تر از این ماده که الان تقدیم شده است این مقصود را تأمین میکرد منتهی بدبختانه آن پیشنهاد جائز اکثریت نشد و بلاتکلیف ماند بعد در جلسه دیگر بنده غایب بودم وقتی رسیدم گفتند این ماده در کمیسیون تصویب شده بنده هم برطبق عبارت تصویبی کمیسیون رایرت را تقدیم مجلس کردم ولی نظر کمیسیون قوانین مالیه عیناً همان نظر آقای طهرانی است که تمام پوستهای برهٔ که در مدت پنج ماه مقرر خریده شده و بواسطه نقص وسائل نقلیه نتوانسته اند حمل کنند فقط بآنها اجازه داده شده است و زمان اجازه هم از حالا است تا اول حوت بنابراین از این بابت اختلاف نظری بین رایرت کمیسیون و نظر آقای طهرانی نیست.

رئیس- آقای داور

(اجازه)

داور- موافقم

رئیس- آقای رئیس‌التجار

(اجازه)

رئیس‌التجار- بنده هم موافقم

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس هم موافقند؟

محمد هاشم میرزا شیخ‌الرئیس- بنده هم موافقم

رئیس- آقای شیخ‌هادی شیخ‌الرئیس

(اجازه)

آقا شیخ‌هادی شیخ‌الرئیس- بنده اجازه نخواسته ام

رئیس- آقای نظم‌الملک

(اجازه)

نظم‌الملک- بنده هم موافقم

رئیس- آقای حاج میرزا عبدالوهاب هم موافقند؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده بالایحه موافقم ولی با توضیحی که آقای سردار معظم دادند مخالفم

رئیس - با آن چیزی که قرائت شد موافقید؟

حاج میرزا عبدالوهاب - بلی ولی با توضیح آقای سردار معظم مخالفم

مخبر- اجازه بفرمائید توضیحشانرا بدهند.

رئیس- توضیح مطرح نیست. آقای عماد السلطنه

(اجازه)

عمادالسلطنه- بنده موافقم

رئیس - آقای دست غیب موافقید یا مخالف؟

دست غیب- بنده یک سؤالی داشتم

رئیس- آقای مدبرالملک

(اجازه)

مدبرالملک- بنده هم موافقم

رئیس - آقای قائم مقام الملک هم موافقند؟

قائم مقام‌الملک- بلی موافقم

آقا سید یعقوب- بنده هم اجازه نخواستم اسم بنده مرحوم شد

رئیس - آقای تهرانی

(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بیاناتی که آقای مخبر کردند تقریباً تصدیق عرایض بنده بود و فرمایشاتشان تطبیق میکرد با مقدمه این قانون ولی مقدمهٔ قانون نیست و قانون عبارتست از خود مادهٔ واحده ماده واحده هم تعمیم دارد مینویسد:

وزارت مالیه مجاز است کلیه پوستهای بره را که بموجب قانون ممنوع از خروج شده است اعم از این که در انبار گمرک باشد یا محل دیگر تا اول حوت ۱۳۰۳ برای خروج از ایران درمقابل پرداخت حقوق ذیل آزاد نماید.

این اعم است که دیروز خریده شده باشد یا امروز یا پنجماه قبل یا قبل از آن یا بعد از آن بنابراین بنده پیشنهاد کتبی دارم و تقدیم میکنم که نوشته شود

(درصورتیکه خرید آنها درظرف پنج ماه از موقع اجرای قانون باشد در این صورت بنده هم موافقم.

رئیس- آقای داور

(اجازه)

داور- دلائلی که آقای طهرانی برای مخالفتشان ذکر کردند بیشتر راجع باین بود که قانون را باید محترم داشت و وقتی یکقانون وضع میشود باید سعی کرد و فلسفهٔ اورا رعایت کرد ولی گمان میکنم خود آقای طهرانی هم تصدیق بکنند که اگر پس از وضع قانون معلوم شد درعمل یک منظور و مقصودهائیکه مقنن درنظر داشت تأمین نمی کند و بآنها لطمه میزند آنوقت بطور استثناء خود مقنن باید آن ضرری را که از وضع آن قانون پیش آمده است جبران کند.

این را هم عرض میکنم که احترام قانون البته صحیح است ولی در تمام مجالس شوروی دنیا کار بهمین منوال می گذرد که یک قوانینی تصویب میشود اگر مقدار قوانین را که در تمام مجالس دنیا نسخ شده است ملاحظه بفرمائید مخصوصا درهمین ادوار اخیر که در همه دنیا مجلس است تصدیق می‌فرمائید که ناچاریم ما هم مثل سایرین مجبوریم گاه گاهی قوانینی که وضع کرده ایم نسخ کنیم و قوانینی که در حین عمل اشکال دارد اصلاح کنیم یا یک مستثنائی را قبول کنیم زیرا قوه مجریه مادام که قانونی نسخ نشده باید اورا محترم بشمارد.

ولی قوهٔ مقننه هر وقت دید یک قانونی دارای نواقص است یا قوهٔ مجریه هر وقت حس کرد قانونی در حین عمل بمشکلات بر می‌خورد باید آن قانون را بقوهٔ مقننه پیشنهاد کند و قوه مقننه هم سعی کند که زودتر آنرا اصلاح کند و اگر نکرد خود آن قانون به اشکالاتی برمیخورد و طبعاً محترم نخواهد ماند و اجرا نخواهد شد.

بنابراین چون دولت این جا ملاحظه کرده است یک موردی را که همه باید آن را در نظر داشته باشیم و آن عبارت از اوضاع اقتصادی خودمان و وضعیات مردم و تجارت سرود شکسته این مملکت است تاجری که بهزار زحمت یک مال‌التجاره کمی که در ایران است و می‌خواهد بخارج بفرستد و یک صادراتی از برای مملکت تهیه میکند البته از برای منافع خودش است ولی منافع آنها بکلی مطابق است با منفعت عمومی.

آقایان اگر بصادراتی ما ملاحظه به فرمایند می‌بینند چند قلم بیشتر نیست و اگر هر روز ما یک کاری بکنیم که این صادرات یک لطمه وارد شود تصور می کنم یک لطمهٔ استکه بهمهٔ مملکت خورده است مادامی که ما نتوانسته‌ایم یک جنس تازه و مرغوبی از برای خارجه بفرستیم و صادرات ما عبارت از همان مواد اولیه از قبیل پوست و پشم و غیره است.

باید سعی کنیم که صادرات لااقل بیشتر از مملکت خارج شود و فعلا چون خود آن قانون مطرح نیست بنده نمی خواهم راجع بآن عرضی بکنم و شاید خیلی از آقایان معتقد باشند که این قانون اصولا مطابق مصلحت مانبوده است.

ولی عجالتاً این طور پیش آمده است که از وقتی که این قانون مطرح شده تا حالا یکعدهٔ از تجار ادعاهائی می کنند و ادعاشان هم بواسطه اسنادی که داشته اند در بعضی از مقامات ثابت شده است که مقداری پوست خریده‌اند که تجارت نمایند قانون هم مدتی قرار گذاشته است

(منتهی همان طور که مخبر محترم فرمودند در مملکت شتر والاغ نمی شود مثل مملکت ترن و راه آهن کار کرد و تجارت نمود) که مال‌التجاره در فلان ساعت معین و فلان روز معین بسرحد برسد البته در راه گیر میکند.

قاطر و امی ماند و چند روز بعد از انقضای مدت قانونی این مال‌التجاره وارد محلی که باید بشود میشود و گمرک هم نمی تواند آن را بپذیرد این تجار هم که مثل غالب تجار ما یک سرمایه کمی دارند و باعتبار تجارت می نمایند البته دچار زحماتی شده و ورشکست میشوند و ورشکستگی آنها هم تنها منحصر بیک تاجر نیست.

ورشکستگی یک تاجر اسباب ورشکستگی یک عده زیادی است بنابراین دولت آمده است یک پیشنهادی کرده است که آقایان در آن سابقه دارند در کمیسیون هم همانطور که آقای مخبر و آقای طهرانی فرمودند سعی شد که رعایت حال تجار بشود رعایت قانون هم مادامیکه نقض نشده بشود اشکالاتی هم در کمیسیون تولید شد و یک عباراتی پیشنهاد شد که قبول نشد و آن این بود اشخاصی که قبل از انقضاء مدت قانون پوست خریده‌اند و وارد گمرک کرده‌اند مجاز باشند البته تصدیق می کنید که اینطور هم در عمل بچه اشکالاتی برمیخورد.

فرضاً پوست را خریدند و وارد گمرک کردند این قسمت را ممکن است تصدیق کرد ولی راجع بقسمت دیگر که قبل از انقضاء

قانون خریداری شده باشد تولید مشکلاتی میکرد واین قسمت را نمیشد معین نمود و تولید یك گفتگو هائی میکرد زیرا دفاتر تجارتی که برای معاملات در این مملکت نیست تامعلوم شودچه وقت مال التجاره خریده شدوچه وقت فروخته شده این بود که برای رفع این مشکلات کمیسیون همچوفکر کرد که این استثناء راقائل بشود واجازه بدهد بآن اشخاص که بیشتراین پوستها مال آنها است که درهمان مدت قانونی خریده اندشاید درضمن بعضی ها هم غفلت کرده ودیرتراین مال التجاره راخریده اند وحالادچار اشکال شده اند پس خوب است اجازه داده شودپوست ها را خارج نمایند تادولت هم دچار زحمت نشود وادارات دولت راهم بیك زحمات فوق العاده نیندازند .

بنابراین کمیسیون این راپورت راتقدیم کرد که فعلااین اجازه داده شود تابعد یك فکری راجع باین قانون بشودواگر آقایان هم یك دقتی دراین خصوص بفرمایند وزود تربااین امرخاتمه بدهند که چندنفرتاجر بد بخت راحت بشوند شاید موافق مصلحت همه باشد وازبرای تجارت هم فوائد کلی داشته باشد .

جمعی ازنمایندگان - مذاکرات کافی است .

جمعی دیگر - کافی نیست

رئیس - رأی میگیریم بکفایت مذاکرات

آقایانیکه مذاکرات راکافی میدانند قیام فرمایند .

(عدهٔ قلیلی برخواستند)

رئیس - معلوم شد کافی نیست . آقای نظام التولیه مخالفند ؟

نظام التولیه - بلی

رئیس - بفرمائید . این را هم خدمت آقایان عرض میکنم که شوراول است شور دوم هم باید بشود .

نظام التولیه - البته آقایان و کلاء قانونی راکه نوشته اند ملاحظه کرده اند که اگراین بره کشی درمملکت موقوف نشود شاید تا چند سال دیگر گوسفند هم در مملکت پیدا نشود بعلاوه قانونیکه اول گذرانده اند هنوز قدم اولش پیش نرفته است که معلوم بشود منفعت دارد یاضرر والبته قانونی که وضع شده است باید بگذارند اجراشود وبصرف این که چهارنفر ازتجار برای منافع خودشان یك درخواستی میکنند بدون مدرك وهنوز هم درهیچ جاثابت نشده کمیسیون نبایدفوراً رأی بدهد که این پوستهاخارج بشود واگر هرروز بنا بشودیك قانونی وضع بشود و بعد فوراً او را نسخ کنند این کارخوبی نیست و بعلاوه مدارك این تجار هم هنوز درهیچ محکمه ثابت نشده که ادعاشان صحیح است یاغیر .

لذا بنده عقیده ندارم هیچواجازه داده شود که این پوستها ازسرحد خارج شود و البته اگریك ضررمختصری را تحمل نمایند برای منافع کلی اولی است .

رئیس - آقای آقا سیدیعقوب (اجازه)

آقای سیدیعقوب - بنده یك قدری توجه آقایان نمایندگان محترم خصوصاً آقای آقا شیخ محمدعلی و آقای نظام التولیه رامتوجه می سازم باینکه مادرمملکت پاریس و لندن واقع نشده ایم ما در مملکت ایران واقع شده ایم و قانونی را که مینویسیم تا برود بهیئت وزراء بعد از هیئت وزراء برود بادارات مربوطه ازآن جا برود بسرحدات دوسال طول می کشد و آن بدبختی که محکوم بحکم قانون است بخواهد اسباب اجرای قانون را فراهم کند چهارسال طول می کشد نه اینکه بمجردی که قانون گذشت فوراً بسرعت برق تمام افرادمملکت مستحضر شوند و اسباب اجرای آنرا فراهم نمایند .

دیگراینکه پریروز آقای آقاشیخ محمدعلی اینجا فریادمیزدندای داد ای بیداد دوتومان میخواهند برای مجازات قراربدهند این ملت دوتومان ندارد حالاامروز میخواهند چهار کرور به تجار بدبخت که تمام هستشیان ازبین رفته است ضرربزنند .

آقا : منع کردن ازپوست بره هیچ نفعی ازبرای مملکت ما عایدنمی شود مگر اینکه یك عدهٔ تجارپوست فروش ما از بین رفتند بروید از اداره گمرك تحقیق کنید به بینید هیچ نفعی ازبرای ما پیداشد غیراز این که تجارپوست فروش مارفتند پیش یك عده تاجرمعمل فروش و مملکت باین روز بدبختی وفقر اقتصادی گرفتارشد ؟بروید ازعلماء علم اقتصاد سؤال کنید و به بینید چه قدرضرر بتجارت این مملکت وارد آمده البته قانون مقدس است امابرای کی ؟ یك ملت بدبختی که تمام ثروتش از بین رفته است ماباید ملاحظه اقتصادیات و احتیاجات آن را بکنیم پس ازآن قانون وضع کنیم.

بعلاوه خیلی دلتان می سوزد که قانون نسخ میشود ؟اینکه کلیه قانون الهی نیست یك قانونی است که از کله بنده وجنابعالی در آمده است حالا که افهمیدیم این قانون ضرر دارد این است که میخواهیم موافق اقتضاء آت امروزه اورا اصلاح کنیم عذابی هم در آخرت بما واردنمیشود مابرای ترفیه حال ملت یك قانونی وضع کرده ایم وقتی بر خوردیم ودیدیم ضرردارد وسدتجارت شده است بازبگوئیم قانون مقدس است؟ افراد مملکت هم ازبین بروند ؟ مابایستی ملاحظه حاجات مملکت را بکنیم ومطابق آن قانون وضع کنیم و اگر این لایحه را مطالعه فرموده بودید این ایرادبرشما واردنبودواین ایراد هارا نمی کردید .

اساساً بنده میخواهم در یك مقدمه صحبت کنم یك جاهل قاصر داریم یك جاهل مقصر .

حالا در علم حقوق تغییرات دیگری دارد ولی ما که در مدارس قدیمه درس خوانده ایم این جورمی فهمیم که غالب این اشخاص جاهل قاصرند یعنی عدم اطلاعشان بمواد قانون باعث شده که مال التجاره خودشان را دیر بمقصد رسانده اندودرسرحد مأمورین گمرکی خیلی بآنها سخت گیری کرده اند حالااین اشخاص جاهل قاصرند نه اینکه عالماً عامداً آمده باشند و برخلاف قانون مملکتی اقدام کرده باشند با این ترتیباتیکه عرض کردم خوب است آقایان مخالفین مخصوصاً آقایان نظام التولیه وآقا شیخ محمدعلی عالی جنابی بکنند و مخالفت خودشان را پس بگیرند وبه تجاربدبخت چهار پنج کرور ضرر نزنند دیگر بسته بمیلشان است هرچه میخواهند بفرمایند بفرمایند .

رئیس - آقای مدبرالملك (اجازه)

مدبرالملك - موافقم .

رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بنده هم موافقم .

رئیس - آقای میرزا یدالله خان موافقید ؟

آقا میرزا یدالله خان - بنده اجازه نخواستم .

رئیس - شانزدهم اسد اجازه خواسته اید .

آقای عماد السلطنه (اجازه)

عمادالسلطنه - بنده باراپورت سابق مخالف بودم ولی بااین راپورت موافقم .

رئیس - آقای زعیم موافقید ؟

زعیم - خیرمخالفم .

رئیس - بفرمائید

زعیم - آقای آقاسیدیعقوب درتعقیب بیانات آقای طهرانی شرحی مرمودند که گمان میکنم سوءتسامع شده باشد . آقای طهرانی بیاناتی فرمودند که بنده هم با ایشان موافقم البته جاهل قاصر مقصر نیست .

بآن کسانی که پوست بره قبل ازاجرای این قانون خریده اند باید اجازه داد که پوستشانرا خارج نمایند که نه بآنها ضرر نخورد ونه بتجارت مملکت ونه بقانون لطمه وارد آمده باشد ولی از مقدمه این راپورت بنظر میرسد که مخصوصاً نظرشان بیشتر درالغاء قانون است والا اگر آنطوریکه آقای سردار معظم بیان فرمودند قصد کمیسیون این باشد که این پوستهای بره که قبل از اجرای قانون یعنی قبل ازانقضای مدتی که جریمه بآن تعلق میگیر دخریده شده خارج شود دیگرلازم نیست تااول حوت ۱۳۰۳ بآنها مهلت بدهند که پوستشان راازسرحد خارج بنمایند ممکن است این پوستهای بره را درهر کجاکه هست بمالیه محل بدهند پلمپ نماید وقتی که پلمپ شدهر وقت خواستند خارج بنمایند ممکن است یکمدت خیلی قلیلی کمتر بگذارند منتهی چهل و پنجروز که کسر در این مدت پوست بره خریده اند ببرد آنجا پلمپ کند وبنده تصدیق میکنم فرمایش آقای آقاسید یعقوب را که قانون وقتی مقدس است که مطابق احتیاجات عامه وضع شود و بنده گمان میکنم این قانون هم مطابق احتیاجات عامه وضع شده ومقدس است.

چون اصلا بره کشی رادر مملکت رواج دادن قحطی انداختن است اگر بمذاکرات مجلس سابق رجوع بفرمائید ( بنده که آن دوره وکیل نبودم فقط مذاکرات مجلس را درجرائد میخواندم ) به ادله که آقایان موافقین برای گذشتن این قانون اقامه میکردند که گمان میکرد آقای آقاسید یعقوب هم یکی از آنها بودند تصدیق خواهند فرمود که نقض این قانون حتی تزلزل انداختن بآن هم صلاح نیست حالایك اشخاصی جاهل قاصرند مقصر برای انجام حاجت آنها بنده آن ماده را مقتضی نمی بینم مگراینکه از کمیسیون ثانیاً پیشنهاد بشود که در مدت چهل وپنج روزالی چهل روزهر کس پوست بره خریده است ببرد در مالیه محل وپلمپ کند بعدحمل بخارج کند.

رئیس - آقای رئیس التجار (اجازه)

رئیس التجار - بنده اگرچه درمجلس سابق ازاشخاصی بودم که عقیده باین قانون نداشتم ولی البته قانون محترم است واحترام قانون هم منظورشده است که دولت اعلان کرده است روزآخر پنجماه اشخاصی که پوست بره بگمرك میبرند ازآنها قبول نکنند همین طور بعدچون صرفه اقتصادی وتجارتی مملکت راملاحظه کرده است و دیده است که این قسمت برای تجارت مملکت ضرر دارد ( چون مسئله تجارت پوست بره یك تجارت عمده شده است که امروز در تمام ممالك متمدنه مخصوصاً آلمان زحمات زیادی کشیده اند تا این تجارت راترویج کرده اند برای جلوگیری ازاین ضرر عمده از آقایان نمایندگان معتقدشده اند که اصلادولت را دعوت کنند تادر موضوع خود قانون پوست بره یك مذاکراتی بکنند

ولی این قسمت عجالتاً مربوط باینجا نیست .

راجع بپنج ماهی که درقانون مهلت معین شده بود عدهٔ ازتجار که قبلا پوست خریده بودند و بواسطه نبودن راه و سرما وموانع دیگر چهارپنج روز دیرتر مال التجاره شان به گمرك رسیده



این بود که مجبور شدند این تقاضا را بکنند تاخسارت زیاد بآنها واردنشود وگمان میکنم آقای نظام التولیه هم اسناد آنهارا ندیده اند یك اسنادی است که دولت هم تصدیق آنها راکرده است و تقریباً هشت هزار تومان هم کرایه داده اند تا پوستها رسیده است بشیراز حالا صرف نظر ازاینکه این مساعدت با تجار است ده هزار تومان یاکمتریابیشتر هم کرایه داده اند تا پوستها رسیده است بشیراز .

حالا صرفنظر از اینکه این صرفه دارد یعنی ازآنها گمرك دریافت میکند برای تجار هم از نقطه نظر صادرات مملکت خیلی فایده دارد واگر این اجازه رابدهیم خیلی بموقع است وابداً هم خلاف قانونی نشده است

ولی درعین حال یك پیشنهادی هم تقدیم کرده ام چون این ماده درست در کمیسیون توضیح نشده است و از ماده اینطور فهمیده میشود که پوستهائی راکه بعد از انقضاء مدت قانونی خریده اند آنها راهم میتوانند خارج کنند

لهذا بنده معتقدم که درست توضیح داده شود مقصود پوستهائی است که قبل از انقضاء مدت پنج ماه خریده شده است

(جمعی ازنمایندگان گفتند - مذاکرات کافی است - عده دیگر گفتند - کافی نیست ) .

رئیس - رأی میگیریم

آقایانیکه مذاکرات راکافی میدانند قیام نمایند .

(عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس - معلوم میشود کافی نیست

آقای شیروانی . (اجازه)

شیروانی - بنده در اصل موضوع مخالفتی ندارم ولی دراین درجه پندی که برای حقوق دولت شده است بنده مخالفم و گمان میکنم درست دقت نشده است .

برای پوستهای بخارا دوریال معین کرده اند در صورتیکه پوست بخارا مربوط بمملکت ما نیست مال التجاره ایست که از خارج داخل مملکت ما میشود به گمرك هم میدهد

برای پوست شیرازهم دوریال معین کرده اند درصورتی که غالباً کمتر از دو تومان سه تومان قیمت ندارد همچنین برای سایر ارقام پوست که قیمت آنها بیش ازیك تومان باشد برای آنهم دوریال معین کرده اند و بنده عقیده ام این است که پوست بخارا وشیراز پنج قران باشد و سایر ارقام پوست که قیمت آنها بیش از یك تومان است همانطور که درراپورت معین شده دوریال باشد

ولی راجع به پوستهائی که قیمت آن یك تومان یا کمتر باشد یك قران بنده مخالفم

چون اصلا ممکن است یك پوستی یك قران قیمت داشته باشد آنوقت بیاید یك قران هم گمرك بدهد ؟ این را بنده مخالفم چون ازروی بی اطلاعی معین شده پیشنهادی هم درهمین زمینه دارم تقدیم میکنم که پوستهائی که قیمت آن کمتر از یك تومان است ازحقوق گمرکی معاف باشد .

رئیس - شاهزاده شیخ الرئیس (اجازه)

محمد هاشم میرزا شیخ الرئیس - در قسمت پوست بخارا پارسال یك قانونی گذراندند اگر آنرا ملاحظه بفرمائید رفع اشکال میشود

اما راجع بسایر پوستهائی که قیمت آنها از یکتومان کمتر است می فرمایند معاف باشد بنده مخالفم

درمملکت ما مالیات سه شاهی وپنج شاهی هم هست خوب است آنرا پیشنهاد بفرمائید والا دلیلی ندارد که مالیات یك قرانی حذف بشود و اساساً این مخالفت موضوعی ندارد

چون عرض کردم مالیات ازآن کمتر هم داریم وبنده بااصل لایحه هم موافق هستم .

رئیس - آقای شریعتزاده مخالفند ؟

شریعت زاده - بلی

رئیس - بفرمائید

شریعتزاده - البته آقایان نمایندگان محترم تصدیق میفرمایند که در مملکت باید قانون حکومت کند .

زیرا درسایه اصل حکومت قانون مملکت میتواند یك آتیه روشنی داشته باشد .

بنده دراظهارات آقایان موافقین یك دلیلی که لزوم تخلف از قانونرا ایجاب کند نیافتم .

آقایان نظرشان دراین است که یك عدهٔ از تجار پس از آن مدت مقرره در قانون یك پوستهائی خریده اند و این پوستها اگر فروخته نشود بآنها ضرر وارد میآورد

البته هرمسئله ازنقطه نظر خودش قابل تصدیق است ولی ازطرف دیگر در مملکت باید اصل حکومت قانون مراعات شود چون سعادت جامعه منوط برعایت این اصل است .

وقتی بناشد در یك قانون یکمدتی معین شده باشد بارعایت حال عموم واینکه هریك از اهالی مملکت بتوانند دسترسی پیدا بکنند وبآن عمل کنند مسلماً بعد از انقضاء آن مدت دیگر کسی نمیتواند تقاضائی بکند که یك تصمیم جدیدی که روحاً برخلاف قانون قبل است اتخاذ شود ومخصوصاً بنده معتقدم که مجلس شورای ملی وآقایان نمایندگان محترم باید بیشتر علاقه باین موضوع داشته باشند و اشکالی که آقایان موافقین میفرمایند این است که آنهائیکه پوست بره دارندندانسته اند که مشمول این قانون نبوده اند سند این آقایان چه چیز است ؟

گفته میشود استشهاد .

البته تهیه استشهاد خاصه از برای اشخاص ذینفع خیلی سهل است

ولی آیا این تقاضا واستشهاد مجوز این است که یك قانونی که حقاً باید درمملکت حکومت کند برخلاف آن رفتار شود ؟ خیر واینکه آقایان میفرمایند یکمقداری پوست قبلا خریده شده است این را بنده مؤثر نمیدانم

زیرا وقتی اجرای یك قانونی اعلان شده است هر کس باید بداند وهیچکس نمیتواند بگوید که عدم تذکرمن موجب عدم مسئولیت است

ولی ممکن است یك اشخاصی پوست هائی داشته باشند که استفادهٔ ازآنها در نتیجهٔ مواجه شدن با فرس ماژر یاچیزهائی درحکم فرس ماژر است ممکن نباشد

یا اگر کسی در حبس بوده است و وقوع این حوادث مانع از رسیدن پوست بموقع درسرحد بوده است از نقطه نظر اصول قضاوت برای این شخص حق خروج باقی است

زیراکه از ناحیه این شخص خلاف قانونی صادر نشده است

بعقیده بنده اگر یك چنین اشخاصی پیدا شوند که نتوانستند پوستهای خود را بواسطه فرس ماژر خارج کنند باید بیك محکمه صلاحیت دار مراجعه کنند تا درآنجا رسیدگی کنند والا فقط به صرف اینکه باید تجارت تقویت شود نمیشود قانون را نقض کرد واصل حاکمیت وقانون اصلی است که مجلس باید طرفدار آن باشد .

بنا بر این بنده بنا این راپورت مخالف هستم .

سردارمعظم ( مخبر ) - بواسطه منقصت نظامنامه داخلی مخبرشدن گاهی خیلی مشکل است

زیراکه انسان باید نظر کمیسیون را دفاع کند ونظرخودش را فدا کند

باین جهت من عقیده شخصی را اظهار نمیکنم واگر میخواستم عقیده شخصی را اظهار کنم مجبور بودم بگویم که با عبارت این ماده مخالف هستم وباپیشنهاد آقایان موافقم .

ولی چون در غیبت بنده کمیسیون یك تصمیمی گرفته است بنده مجبورم حامی عقاید کمیسیون باشم وعقیده شخصی را اظهارنکنم

دراینجا باید مطلب را تفکیك کرد تابتوانیم یك شقی رااتخاذ کنیم

دراینکه حاکمیت قانون مسلم است محل کلام نیست که قانون باید هم محترم باشد ونباید قانون رافدای منافع افراد کرد .

زیراکه اگر ما بخواهیم منافع ابراد را درنظر بگیریم آنوقت هرروز یك قانونی را باید نقض کنیم .

زیراکه هر قانونی مستلزم ضرر و زیر پاگذاردن حقوق یکعده است

ازطرف دیگر وسعت نقض قانون را هم اگر بخواهیم باین اندازه بگیریم که بنام ضررنزدن بتجاروتکثیرصادرات مملکت وخراب نشدن پوست بره وبنام اینکه قصور بوده است یا تقصیر بوده است آنقدر این نقض قانون را وسعت بدهیم وبگوئیم خلاف قانون شده است وتااول حوت هم درب این خلاف قانون بازاست وهر کس که دلش میخواهد از این درب باز بیاید تو و هر کاری میخواهد بکند

این هم یك نظراست ولی البته این نظررا نمیتوان تصدیق کرد وبرای ترمیم یك مورد بخصوص تا اول حوت درب خلاف قانونرا باز کرد .

بنابراین باید یك شق ثالثی پیدا کرد وقسمت عمده نظر کمیسیون هم توجه آن شق بوده است واساس تصمیم کمیسیون هم برروی آن شق بوده است چون بعضیها میگویند قانون محترمست وباید اجرا شودودرآن مهلتی که معین شده پنجماه است

حالا اگر ما بخواهیم جمودت در ظاهرقانون کنیم حق این است بمجرد اینکه روزآخر پنج ماه تمام شد قانون قوه خودرا پیدامیکند وبالاخره اگر با قاطر یاالاغ هم پوستهای خودرا حمل کرده باشند که دیرتر رسیده باشد تقصیر خودشان است وگناهی بر کسی نیست

بنا بر این پوستها باید مطابق مقررات قانون ضبط شود

دراینجا کمیسیون ازنقطه نظر قاضی بودن قضاوت نکرده بلکه ازنقطه نظر هیئت منصفه قضاوت و اظهار عقیده کرده واینطور رأی داده است

راست است که مطابق ظاهر قانون صاحبان پوست حق ندارند .

ولی بدبختانه درمملکتی که وسائل نقلیه اش الاغ وقاطر است در مملکتی که در پاره ای موارد پست دولتی راباگاو حمل میکنند مانمیتوانیم آنقدردرقوانین جمودت کنیم و انصافاً اقتضای این را دارد که یکقدری هم اغماض کنیم و بگوئیم که اگر یك مدت قلیلی از آن موقع تخطی شده است بازنباید باشدت

قانون رادر این‌موقع اجرا کنیم‌بنابراین تصمیم کمیسیون این‌شد تمام پوستهائی که درظرف پنجماه مهلت باید حمل بخارج بشوند وحمل نشده‌اند وبواسطه‌مشکلات وموانع نتوانسته‌اند درسر موعد بمقصد برسند بآنها بطور استثناء اجازه داده شود که خارج نمایند و چنانکه عرض کردم دراین زمینه یك پیشنهادی در کمیسیون مطرح‌بود که نه‌قبول ونه‌ردشد وبلاتکلیف ماند پس‌از آن برای اینکه لازم بودتصمیمی اتخاذ شودگفته‌شد در این غمض عین‌یك غمض‌عین دیگر هم بشود •

مثلاچون برای اینکه‌تشخیص بدهند که‌آیا کدام‌پوست درظرف پنجماه‌خریده شده و کدام پوست بعدخریده شده‌تولید اشکال میشود وازطرف دیگر کمیسیون هم اطلاع حاصل کرده بودپوستهائی که فعلا محل‌بحث مااست همه آنها درظرف همان مد پنجماه خریده شده است و بعد پوستی خریداری نشده است لهذا کمیسیون این‌شق رااتخاذ کرد واین راپورت راداده بنابراین تصدیق باینکه خلاف قانون است اغماض‌میشود وازاین خلاف قانون صرنظر میشود وما همه خودمان میدانستیم که این اجازه موافقت باقانون ندارد ولی‌نظر باوضاع داخلی مملکت ونظر باینکه یك‌مقداری پوست درظرف پنجماه‌خریده شده‌بود که‌موفق بحمل آن نشده بودند مالازم دانستیم که در این‌مورد هم‌اجازه‌بدهیم خارج‌نمایند ولی باید گفته شود اگر این‌قانون این مرتبه‌هم نقض بشودو باز ازطرف تجار یك‌همچو تشبثاتی بشودباید آقایان‌تجار بدانند که دیگرهمچو اجازه داده‌نخواهد شد.

رئیس - آقای شیخ‌العراقین - زاده •

(اجازه)

شیخ‌العراقین‌زاده- آنچه ازبیانات آقایان موافقین مفهوم شداین است که اجازه صدور پوست بره رابدو دلیل لازم میدانند‌اول اینکه این‌قانون‌غیرعملی است‌و داد میزنند که قانون غیرعملی‌است وآن روزی که قانون را وضع‌کردیم خودماهابودیم وحالاهم که تشخیص‌دادیم غیرعملی است‌تغییر میدهیم یك‌دلیل‌دیگر هم‌حس رافت وشفقت زیاد آقایان است که میگویند تاجر بیچاره‌سرمایه‌داراست سرمایه‌اش کم است تجارماسرمایه‌ندارند یاپوست‌راقبل ازمدت مقررقانونی خریده بنابراین اجازه داده شود پوستهای‌آن کسی که قبل‌از مدت قانونی خریده با سایر پوستها برود بخارجه

آقاسید یعقوب - برود بخارجه از خارجه پول‌بیاورند ضرری‌دارد؟

شیخ‌العراقین‌زاده- وهمانطور که‌اظهار فرمودندرفتن‌پوست بخارجه ضرری‌ندارد وهیچکس هم مخالف این‌نیست که‌پوست برود بخارجه وبجای آن‌پول بیایدممکن هم هست که این قانون برطبق یك‌لایحه قانونی نقض شودولی آیا شایسته است یك قانونی راکه مجلس تصویب کرده است باین شکل عقلالغو کنیم اینجا یك اشتباه غریبی شده‌است موضوع بحث‌این یك ماده‌ایست‌که پیشنهاد شده است مینویسد.

وزارت مالیه مجاز است‌کلیه پوستهای بره‌را که بموجب قانون‌ممنوع ازخروج شده‌است.

اعم ازاینکه درانبار گمرك باشد یا محل دیگرتا اول حوت ۱۳۰۳ برای‌خروج ازایران درمقابل پرداخت حقوق ذیل آزاد نماید•

این فرم بندی ماده کاملا مخالف قانون سابق است حس ترحم و رأفت خیلی خوب چیزیست‌وبالاخره واقعاًاگر یك تاجری قبل از مدت قانونی یك پوستهائی خریده وشتروگاو و غیره هم مانع شد که درسرموعد بمقصدبرسدپس لااقل باید محدود کنیم پوستهائی راکه آورده اند ودرانبار گمرك موجود است مجازباشند که‌آنها را خارج نمایند ولی اگر میخواهند تمام پوستها خارج شود باید دولت یاآقایان نمایندگان یك‌لایحه قانونی تقدیم نمایند والغای آن قانون را بخواهند وپس ازآنکه آن قانون الغاء شد هرتاجری که پول زیاد دارد پوست بخارج بفرستد

بنا براین‌بنده وسایرین برای‌اینکه هم حس رأفت‌را رعایت کرده باشیم وهم رعایت قانونی‌راکه خودمان‌وضع کرده‌ایم نموده باشیم‌چون‌بنده‌هم یکی ازاشخاصی هستم که باین قانون رأی داده ام حالا هم پیشنهاد کردم کلیهٔ پوستهائی که در گمرکات توقیف شده است مجاز است خارج شود بدون اینکه از طرف دولت مانع خروج‌آنها شوند ولی درمقابل‌صد بیست حقوق گمرکی بدهند.وفعلا مدتی است این پوستها توقیف شده است‌واگر میخواهند تمام پوستها خارج شودبحمدالله برای‌آقایان نمایندگان خیلی آسان است یك لایحه قانونی‌پیشنهاد کنند که‌آن‌قانون ملغی شود وقتیکه ملغی شدآن پوستهائی هم که درسایرنقاط هست‌آنها را هم‌آزاد باشند خارج نمایند•

رئیس -آقای‌حاج‌میرزاعبدالوهاب•

(اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - بنده عرض میکنم این اجازه که کمیسیون داده است فقط ازنقطه نظرحس ترحم نبوده است بلکه بواسطهٔ این بوده است که یك صدمهٔ بزرگی بصادرات مملکت وارد میآید زیرا این پوستها میماند ومیپوسید وفاسد میشود وباید ریخت توی دریا مثل‌اینکه شانزده هزارتومان از این پوستها فاسد شد و توی دریا ریختند وبنده با این راپورت موافقم •

اما نه‌آنطوریکه‌آقای سردار معظم توضیح دادند زیرا نمیشود تشخیص داد که این پوستهادرآن مدت پنجماه خرید شده یا خیر واینکه آقای شیخ العراقین پیشنهاد کردند برای‌آن پوستهائی که‌در گمرك است‌اجازه خروج بدهندوآنهائی که درگمرك نیست اجازه خروج ندهند اینطورنیست بنده عرض میکنم خیلی از پوستها رابگمرك نبرده اند چون گمرك میگفته است ضبط میکنیم بنابراین پیش خود صاحبان پوست است وآمده اند در شیرازباین دلیل‌اجازه دادندکه‌این پوستها را خارج کنند•

بعلاوه عقیده‌بنده‌این‌است که‌صادرات مملکت (اگرهم‌گوشت یك من‌پنجتومان بشود ) در مقابل اینکه واردات زیاد شود •

(همهمه بین نمایندگان)

حاج میرزا عبدالوهاب - هر کس ازآقایان ایرادی دارد بگوید•

بنا براین ازنقطهٔ نظراینکه‌صادرات مملکت زیاد شود واگرهم این پوستها بماند فاسد خواهد شد خوبست این اجازه داده شود•

رئیس-آقای‌ضیاءالواعظین پیشنهاد کرده‌اند که‌این راپورت از دستور خارج شود •

شیخ‌الرئیس - من‌مخالف‌هستم

رئیس- بفرمائید

محمد هاشم‌میرزا شیخ‌الرئیس- اگر توضیحی دارند بفرمایند تابعدبنده‌مخالفت خودرا عرض کنم

رئیس- آقای ضیاءالواعظین

( اجازه )

ضیاءالواعظین - رأی‌بگیرید

رئیس- ایشان توضیحی‌ندارند

شیخ‌الرئیس - عرض میکنم چندین ماه است که این راپورت در کمیسیون قوانین مالیه معطل شده‌است وهمچنین‌در وزارت مالیه معطل شده است و هروقت هم که در مجلس مذاکره‌شد این‌راپورت بتأخیر افتاده وبالاخره امروز جزءدستور ومطرح شده است و مانعی ندارد که امروز در آن مذاکره شود و تکلیف معین‌شود ومقصود این است که یکمقدار پوست موجود است و هرقدر بماند فاسد میشود وازبین میرود ولی‌اگر بخارجه‌برود پول میشود بنا براین عقیده من است‌که تکلیف قطعی این‌را معین کنند و وقتیکه صاحبان پوست بدانند اجازه خروج داده نمیشود اقلا پشمش را می‌فروشند و علت ندارد که ما مردم را معطل کنیم بنابراین باید زودتر تکلیف آنهارا معین کردشاید امروز هرپوستی را دوقران بخرند ولی فردا هیچ نخرند وبالاخره بایدیك‌تکلیفی برای این پوستها معین کرد چه دست سرمایه دار باشد چه دست غیر سرمایه دار •

رئیس- رأی میگیریم بپیشنهادآقای ضیاءالواعظین آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند •

(دوسه نفر قیام نمودند)

رئیس- تصویب نشد . رأی میگیریم بکفایت مذاکرات آقایانیکه مذاکرات راکافی میدانند قیام‌فرمایند

( اکثر قیام نمودند )

رئیس - معلوم میشود کافی است • پیشنهادها قرائت میشود

( بشرح ذیل قرائت‌شد)

بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده بقرار ذیل اصلاح‌شود :

وزارت مالیه مجاز است کلیه‌پوست های بره راکه بموجب قانون ممنوع از خروج شده است اعم از اینکه در انبار گمرك باشد یامحل دیگر تا اول عقرب ۱۳۰۳ الی‌آخر

(میرزا جوادخان)

بنده پیشنهاد میکنم نوشته شودماده واحده بشرح ذیل:

بوزارت‌مالیه اجازه داده‌میشودپوست های برهٔ راکه قبل از موعد ۵ ماه مهلتی که قانون ۳۰ جوزای ۱۳۰۱ خریده بودند و بواسطه موانعی بسرحد نرسیده است ازتاریخ تصویب این‌ماده تااول‌حوت ۱۳۰۳ پس از اخذ حقوق ذیل اجازه خروج دهد :

برای پوستهای شیراز و بخارا ۲٫۵۰ قران

سایر ارقام پوست که قیمت آنها بیش از یکتومان باشد ۲٫۵۰قران

پوستهائی که قیمت آنها یکتومان‌و یاکمتر است یکقران•

(رئیس التجار)

بنده پیشنهاد میکنم در باب پوست بخارائی مطابق‌ماده دوم قانون منع‌خروج پوست بره رفتار شود اگر هم سابقاً از گمرك رد شده از دو ریال معاف باشد •

(محمد هاشم میرزا)

پیشنهاد میکنم عبارت ذیل اینطور نوشته شود :

برای هرپوست که قیمت آن زیاد بر یکتومان باشد دوریال وبرای‌هرپوست که یکتومان یا کمتر از یکتومان قیمت داشته باشد یکقران.

(دست‌غیب -آقا سیدمحی‌الدین

این بنده پیشنهاد میکنم که ماده بطریق‌ذیل اصلاح‌شود:

وزارت مالیه مجاز است کلیه



پوست‌های بره که‌قبل‌ازانقضای ۵ماه‌مهلتیکه در قانون سی‌ام جوزای ۱۳۰۱ خریده‌و حمل شده است وبواسطه نواقص وسائل محلیه در موعد خود بسرحد برسیده تا اول حوت ۱۳۰۳ برای خروج از ایران در مقابل پرداخت حقوق ذیل آزاد نماید •

( آقا شیخ محمدعلی‌تهرانی )

بنده پیشنهاد میکنم از آخر سطر سوم از ماده‌واحده لفظ (درمقابل‌پرداخت حقوق ذیل) حذف شود ودرعوض نوشته شود ( در مقابل حقوق گمرکی معموله سنواتی آزاد نماید )

( حاج میرزاعبدالوهاب )

بنده پیشنهادمیکنم که حقوق‌دریافتی ازپوست بره بقرار ذیل‌تعدیل‌شود:

برای‌پوستهای شیرازی ۵قران‌سایر ارقام پوست که قیمت آنها بیش از یك تومان باشد دوریال پوستهائیکه‌بیش‌ازیك تومان قیمت‌ندارد‌یکقران

( شیروانی )

بنده پیشنهاد میکنم که ماده واحده بطریق ذیل نوشته‌شود:

مجلس شورای ملی بوزارت مالیه‌اجازه می‌دهد که‌باداره گمرکات امر دهد فقط پوستهای بره‌را که باعتبار قانون ۳۰ جوزای ۱۳۰۱ در گمرکات سرحدی توقیف‌نموده در مقابل‌پرداخت‌صدی ۲۰ ازقیمت‌عادله آن‌برای خروج از ایران آزاد نماید•

( شیخ‌العراقین‌زاده)این‌بنده‌پیشنهاد می کنم که کلیه‌پوستهای بره‌بمنفعت‌دولت مصادره شود

( مقوم الملك)

بنده پیشنهاد می کنم ازقیمت کلیه پوستهای بره یك‌عشر دریافت‌شود

( اخگر)

بنده پیشنهاد میکنم که‌پوستهای‌بره که می‌خواهند خارج کنند از گمرك‌نزد هیئت حاکمه اثبات‌شود که‌بواسطه‌نواقص وسایل محلیه عقب افتاده باشد نه اینکه بمجرد دعوی مدعی‌عمل شود

( شریعتمدار دامغانی)

رئیس- پیشنهادها ارسال میشود به کمیسیون. شور اول تمام شد•رأی می گیریم بشورثانی آقایانی که تصویب می کنند وارد درشورثانی بشویم‌قیام‌فرمایند

( اکثر قیام نمودند)

رئیس-تصویب‌شد•راپرت کمیسیون نفط مطرح است• ماده‌بیست‌وسوم

(بشرح‌ذیل قرائت‌شد)

ماده۲۳ - دولت ایران‌تعهدمیکند در موارد ( فورس ماژور) مثل جنك و رولوسیون‌وزلزله وطوفان‌وطغیان‌آب و غیره که‌مانع یامزاحم یا باعث‌تأخیراجرای تعهدات صاحب‌امتیاز درهر کدام‌از قطعات چهارگانه یا کلیه‌قطعات گردد‌مدت‌اجرای آن تعهدات‌را نسبت بآن قطعه یا کلیه قطعات تمدید داده‌برمدت امتیاز باندازه که منع یا مزاحمت یا تأخیر بعمل‌آمده است‌بیفزاید.

صاحب امتیاز مکلف است مورد ( فورس ماژور) را درظرف سی‌روزبعد از آنکه این وقایع مزاحم یاباعث تأخیر یا مانع اجرای عملیات تشخیص‌داده‌شود کتباً باطلاع‌وزارت فوائد عامه‌در تهران برساند دولت ایران در این صورت‌باید درظرف شصت‌روز کتباً قبول یاعدم‌قبول موردفورس‌ماژوررا بصاحب امتیازاطلاع دهد چنانکه دولت ایران سکوت‌اختیار نماید ومدت منقضی شود این سکوت‌مثل قبول قطعی تلقی خواهدشد•

درصورتیکه‌صاحب‌امتیازعمداًیاسهواً قصور کرده بدولت اطلاع ندهد دولت ایران آن‌واقعه‌را فورس‌ماژورقبول‌نخواهد کرد•

درصورت بروز اختلاف بین‌صاحب امتیاز و دولت‌در ماهیت‌امر قضیه‌بحکمیت ( چنانچه در ماده۲۴ پیش‌بینی‌شده‌است) رجوع خواهد گردید•

رئیس - آقای داور

( اجازه)

داور- موافقم

رئیس- آقای ارباب کیخسرو

( اجازه)

ارباب‌کیخسرو-درموقعیکه‌پیشنهادات سابق شده‌بود نسبت‌باین ماده مخصوصاً بنده با آقای سهام السلطان مذاکره کردم که در کمیسیون توجه‌باین قسمت بفرمایند•

اینجا موافقی‌رامعین کرده اندبرای فرس ماژور و اسامی‌هم عنوان کرده‌اند ولی هیچ مدتی‌را معین‌نمیکند که‌آن‌قضایا حداقل مدتش‌معین‌بشود•

البته‌حد اکثر نمی‌شودبرای‌آن‌معین کردولی اگر یك‌روز واقعه رخ‌دادآیا بایدیك روزبمدت‌اضافه‌شود؟بنابراین‌بنده عقیده ام این بود که‌یك مدت‌معینی باشد که‌اگراز آن مدت‌تجاوز کردجزءفرس ماژورمحسوب‌شود•

یکی دیگراینکه خواستم‌بدانم‌علت چیست که‌نوشته اطلاعی که کمپانی‌بدولت میدهد یاجوابی که دولت‌بآنها می‌دهدباید کتباً باشد•

حالااگر وسائل دیگری‌داشته‌باشند که بتوانندزوداطلاع بدهندچه‌مانعی‌دارد؟

سهام‌السلطان‌مخبر-درقسمت‌اخیریکه فرمودند. کتباً برای‌این‌قیدشده که‌سندیت داشته باشدزیرا وقتی کتبی باشد البته محل اختلاف نمیشود چه ازطرف‌دولت وچه ازطرف کمپانی‌ولی اگرشفاهی‌باشد ممکن است محل‌اختلاف بشودو یك‌روز نماینده کمپانی بگوید من‌شفاهاً گفتم و دولت قبول‌نکند یا دولت‌بگویدو کمپانی قبول‌نکند باین جهت کتباً نوشته‌شده که اسباب اشکال نشود و اختلافی حاصل نشود•

در قسمت اول‌هم که راجع بمدت فرمودند نمی‌شود برای این قضایامدت معین کرد برای اینکه یك قضایائی‌اتفاق می‌افتد که ممکن است‌باعث تأخیربشود آنوقت چطور مامدت‌ها قرار بگذاریم البته تاوقتی که رفع آن‌بشود یك روزیا ده‌روز هرچقدرباشد آنرا هرمدت امتیاز می‌افزائیم ولی تعیین مدت گمان میکنم اصلا ممکن‌نباشد•

رئیس- رأی گرفته میشودبماده ۲ آقایانی که تصویب میکنندقیام‌فرمایند

(عده کثیری برخاستند)

رئیس- تصویب‌شد• ماده ۲۱ که راپورتش درثانی داده‌شده مطرح‌است

( بشرح ذیل‌قرائت شد )

ماده۲۱- درصورتی که‌صاحب‌امتیاز درظرف دوازده سال ازتصویب آن در مجلس دست ازاستفاده‌این امتیازبردارد ( که در این‌صورت امتیاز فسخ‌وبلااثر خواهدبود) کلیه‌حقوق ارضی‌و اموال‌غیر منقوله خود را بدولت ایران واگذار خواهد نمود ولی‌حق خواهدداشت کلیه یاقسمتی ازساختمانهای قابل‌حمل‌وازمصالح و اشیاءو اثاثیه وذخائر و انبارهای‌منقوله که در ایران‌برای استفاده از این‌امتیاز داراست چه‌نصب‌شده وچه‌نصب‌نشده‌باشد سطح الارضی‌و تحت الارضی از ایران خارج کرده یا بمعرض فروش برساند و دولت ایران‌حق‌نخواهد داشت مانع‌شده و یا مالیات وعوارضی‌به‌هیچ‌اسم ورسم از این بابت مطالعه نماید

رئیس-آقای داور

( اجازه)

داور - موافقم

رئیس- آقای طهرانی

( اجازه )

آقاشیخ محمد علی طهرانی- بنده خواستم از آقای مخبر یك‌سئوال بکنم اینجا عبارت•••

رئیس- مخالفید یاموافق؟

آقا شیخ محمدعلی- مخالفم این عبارت( کلیه‌حقوق‌ارضی‌واموال‌غیرمنقول‌خود بدولت‌ایران واگذار خواهد نمود )ولی حقوق ارضی خود را بااسناد یا بدن اسناد ؟ این‌مجمل است بجهت اینکه میگوید من‌حقم را واگذار میکنم مثلا اجازهٔ کرده است پنجاه‌ساله یاده ساله یایکساله .

میگوید حقم راواگذار میکنم‌اما چقدرازحقوق‌مقدار حقی راکه داردچقدر است ؟ معلوم نیست یك‌اراضی را اجاره کرده‌است ده‌ساله بعداز ده سال یك ده سال دیگروده سال بده سال اجاره‌میکند پس حقوق‌راکه واگذار میکند بدولت باید معلوم باشد و معین نه‌مجمل باشد و مبهم‌بنابراین اسنادی که متعلق بآن‌است باید بدولت ایران بدهد تااز آن معلوم بشود که این حقوق چقدر است‌ومیزانش چیست •

رئیس-آقای‌داور

(اجازه)

داور- بنده‌تصور میکنم که‌این‌قسمت واضح باشد کسی حقی‌را بکسی واگذار میکند البته اسنادهم که پهلوی او است واگذار می‌نماید و این اسنادی برای کمپانی اهمیتی وقیمتی ندارد نظر باینکه از اینجا میرود.

اجازه‌نامه فلان‌ملك رابدولت بدهد یاندهد فرق نمیکند علاوه‌براین‌همینقدر که‌کمپانی خواست برود وموافق‌این‌ماده وبهردلیلی ازدلایل‌که معلوم شداین را بدولت داده است دیگر حقوق بدولت واگذار شده است وآنچه که در اجارهٔ کمپانی بوده واگذاربدولت شده‌وعرض کردم چون اهمیتی برای کمپانی ندارد البته اسناد راهم باید بدهدو گمان میکنم بهمین اندازه.

توضیح آقای طهرانی قناعت‌بکنند واین ماده‌را هم‌رأی بدهند.

رئیس- آقای حاج‌میرزاعبدالوهاب

(اجازه)

حاج‌میرزا عبدالوهاب - بنده قبلا که این ماده بمجلس آمد مخالف بودم‌و حالا هم‌مخالف هستم برای اینکه اگر بناشد اشیاء منقوله رابرد تیرانی خانه‌را ببرد درش رابرد درمقابل هم که بدولت چیزی نمیدهد یك‌زمینی راگرفته خراب کرده بدولت میدهد بنده نمی‌دانم این چه‌صرفه است برای دولت که‌تمام اشیائی که قابل نقل‌است ببرد این را از آقای مخبر سؤال میکنم که جوابش‌را بدهند که بنده قانع شوم.

سهام‌السلطان-البته‌تصدیق‌میفرمائید که‌کمپانی درمدت دوازده سال بیکار نخواهد ماند یك مبالغی خرج خواهد کرد ویك‌ضررهائی میدهدودرصورتیکه نتوانست استفاده‌بکندو خواست دست‌از کار بردارد چنانکه‌اینجا نوشته‌شده‌آنچه راکه غیر منقول است بدولت واگذار میکند ولی دیگر اشیائی که آورده است ولوله‌هائی کشیده است وانبار ومخزن ها را نباید تقاضا داشت.

بعداز آنکه مبالغ کلی‌خسارت کشیده آنها راهم بدولت ایران واگذار کند البته ساختمان وبنا دراراضی‌هر چه‌داشته باشد بدولت ایران واگذار میکند وهر چیزی که قابل‌حمل باشدمیتواند ببرد .

( جمعی اظهار کردند مذاکرات کافی است)

رئیس -مذاکرات کافی است

جمعی از نمایندگان - بلی کافی است .

رئیس- رأی گرفته میشود بماده بیست و یك آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند .

(عده کثیری قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد ماده بیست و دوم .

(بشرح ذیل قرائت شد)

ماده۲۲- صاحب امتیاز متعهد است برای اتباع ایران که درخدمت اوباشند هرگونه تسهیلاتی که معقول وموجه باشد تحصیل اطلاعات عملی وعملی در فن صنعتی نفت فراهم آور بعلاوه تعهدمیکند برای کارهای غیرفنی امتیاز اتباع ایران را بکار وادارد و همچنین برای مشاغل که محتاج باطلاعات مخصوصه است ایرانیانرا که دارای استعداد ولیاقت لازمه رابه بیند بدیگران ترجیح دهند.

ونیز صاحب امتیاز متعهد است که درهر زمان قوانین مملکتی را راجع بوضعیت کارگران از حیث ساعات کار و مسکن حفظ الصحه وغیره کاملا رعایت نماید.

رئیس- آقای شریعتمدار

(اجازه)

شریعتمدار دامغانی- این ماده مشتمل بردو قسمت است یك قسمت کارغیرفنی که کمپانی ملزم میشود باتباع ایرانی بدهد این راتصور میکنم که لازم بقبول کردن یك منتی از کمپانی نیست زیرا ازبرای کارهای بانزاکتی که درکارخانه باشد چنانکه درنفت جنوب هم ملاحظه میکنیم ازخارج عمله میآورند وقائل بیك اختصاص میشوند ولی برای کارهائی که تهچاه رفتن است و باید مرد غیراز اتباع ایرانی کسی دیگر نیست وبرای کارهای غیرفنی از اروپا امریکا کسی نمیاید که آنها را قبول کند. اما آن قسمت اولش که مامیتوانیم استفاده کنیم این است که (تسهیلاتی که معقول و موجه باشد.

برای تحصیل اطلاعات علمی وعملی درفن صنعتی نفت فراهم آورد) یعنی یك قسمت از اشخاصی راکه معلومات فنی ندارد تربیت نمایند که کارگر فنی شوندو متخصص شوند این راهم در تحت یك الفاظی در آورده اند که (معقول و موجه) باشد وهیچ کمپانی راملزم نمیکند ممکن است اصلا از افراد ایرانی هیچ کس رانگوید که لیاقت دارد پس چون عمده استفاد ما ازاین قسمت اول است که اینها رایادبدهند واشخاص راتربیت نمایندبرای اختصاص امور فنی بنده پیشنهاد میکنم که کمپانی ملزم باشد سالیانه یك عده را تربیت کرده و برای تخصیص امور فنی معین کند .

سهام السلطان مخبر- آقای دامغانی دوقسمت فرمایش فرمودند قسمت اول راکه خودشان فرمودند البته در ایران یك عمجلاتی بکار واداشته میشود ولی یك اختصاص داده میشود که کمپانی باید ایرانیها راوارد کند چون در سرحدات است ممکن است خارجیها بیایند کار کنند این است که درقسمت کارهای غیرفنی ایرانیها راباید بکاروا دارد امادر قسمت دیگر که راجع بکارهای فنی فرمودند ممکن است گفت که بیاید سالی دو کرور خرج کند وپانصدنفر شاگرد تربیت کندولی باید چیزی گفت که معقول باشد واین باید طوری باشد که هم بشودما از کمپانی تقاضا داشته باشیم وهم کمپانی بتواند انجام بدهد عرض کردم اگرماغیراین کلمه رابنویسیم ممکن است از او تقاضا کنیم که یك مدرسه بایك ملیون خرج درست بکند و این ابداً معقول نیست که یك کمپانی که آمده و یك امتیازی میکرد همچواقدامی بکند .

اما درقسمتهائی که برای اوپیشرفت دارد و میتواند یك اشخاص را برای تربیت علمی وعملی حاضر کند یعنی معقول ومتوجه باشد می توانیم تقاضا کنیم واو هم میتواند انجام بدهد که درآن راپرت قدیم کلمه ممکنه نوشته شده بود ولی چون کلمه فرانسه اش ( رزنابل) بود وبیشتر به معقول ومتوجه ترجمه میشد کمیسیون این کلمه را تصویب میکند وخوب هم است

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است

رئیس - رأی گرفته میشود باین ماده آقایانی که تصویب می کنند قیام فرمایند .

(اکثرقیام نمودند)

رئیس - تصویب شد

لایحه علائم صنعتی ازماده سیزدهم است .

بعضی از نمایندگان بطور همهمه - تنفس بدهید .

رئیس - میفرمائید تنفس داده شود

بعضی از نمایندگان - بلی

رئیس- آقای تدین پیشنهاد کرده اند جلسه ختم شود .

جمعی ازنمایندگان - صحیح است

رئیس - مخالفی دارد ؟

جمعی گفتند - خیر

رئیس - دستور جلسه روز یکشنبه اولا لایحه علایم صنعتی ثانیاً لایحه مقادیر و اوزان در درجه سوم راپرت کمیسیون بودجه راجع ببودجه دربار

آقای سردارمعظم

(اجازه)

سردار معظم - اولا چون مدتی است لایحه الصاق تمبر به بلیطنمایشگاه ها غیراز یك ماده تکلیفش معین شده استدعا می کنم نظر باینکه یك ماده بیشتر نمانده در دستور جلسه آنراهم مقرر فرمائید گذاشته شود که تکلیفش معین شود

ثانیاً مدتی قبل از این پیشنهادی شده بود راجع بطبع صورت مشروح مجلس رایرت این کارهم ازطرف اداره مباشرت رسیده است تحقیقاتی هم که لازم است شده استدعا میکنم مقرر فرمائید که آن مطلب هم جزو دستور جلسهٔ آتیه گذاشته شودو تکلیفش نفیاً یا اثباتاً معین شود اگر هم وقت شد لایحه راجع به تعمیر مقبره فردوسی هم مطرح بشود .

رئیس - مخالفی ندارد که این دو مطلب جزو دستور بشود .

بعضی گفتند - خیر

رئیس - آقای مدیرالملك

(اجازه)

مدیرالملك - اگرچه یکقدری دستور جلسه زیادشده ودیگر وقتی نمی ماند

جمعی ازنمایندگان - صحیح است

مدیرالملك - صحیح نیست برای اینکه پیشنهادخشکانیدن چمن کمال آباد راجع به مالاریای رعایا ازتمام لوایحی که پیشنهاد شده جزو دستور شود مقدم تراست لهذا پیشنهاد می کنم لایحه مزبور جزو دستور شود .

رئیس - چون فقط بایدیك رأی به قابل توجه بودنش گرفت ممکن است جزو دستور باشد .

شاهزاده شیخ الرئیس

(اجازه)

شیخ الرئیس- عرض بنده راجع بطبع صورت مجلس بود

رئیس - آقای طهرانی

(اجازه)

طهرانی عرضی ندارم

(مجلس یکساعت وربع قبل از ظهر ختم شد )

رئیس مجلس شورای ملی

مؤتمن الملك

## جلسه ۵۲

## صورت مشروح

## مجلس یوم یکشنبه ۸ سنبله ۱۳۰۳ مطابق ۲۹ محرم ۱۳۴۳

مجلس سه ساعت و ربع قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید

صورت مجلس یوم شنبه سنبله را آقای آقامیرزا شهاب قرائت نمودند)

رئیس - آقای ارباب کیخسرو

(اجازه)

ارباب کیخسرو — درماده بیست و سوم بنده دوتوضیح خواستم یکی رانوشته اند ویکی راجع یکلمه کتباً بوده نوشته نشده است

راجع یکلمه کتباً آقای سهام السلطان اینطور تفسیر کردند که فقط شفاهی نباشد چون خیلی ازچیزهای دیگر غیراز مکتوب اطلاق بکتبی میشود